

Research Article

The Criteria for the Guardianship of the Islamic Jurist (With an Emphasis on the Ideas of Imam Khomeini)¹

Ali Akbari Moallem¹

1. Assistant Professor, Institute of Islamic Sciences and Culture; Member of the Association for Political Studies, Qom, Iran. a.akbarimoallem@isca.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to explain the criteria for the guardianship of the Islamic Jurist with an emphasis on the political ideas of Imam Khomeini. To this aim, descriptive analysis was used in this study to make an enquiry about the essence and arguments of the guardianship of the Islamic jurist, the jurists' obligation to establish an Islamic state, the virtues and vices of the Islamic jurist's political ethics, as well as the responsibility and authority of the Islamic jurist. Based on the triplet classification model in Islam and the framework of Imam Khomeini's political ideology, the subject under study that is the guardianship of the Islamic jurist was classified into 3 aspects of political philosophy, political ethics, and political jurisprudence. In general, 33 criteria for different aspects of the guardianship of the Islamic jurist were extracted including 9 criteria about political philosophy, 15 criteria about political ethics, and 9 criteria about political jurisprudence. Furthermore, the results showed that there is a logical relationship between the 3 above-mentioned classified aspects, that is to say the imperfection and perfection of each aspect is effective on the others as well.

Keywords: Wilayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist), Political Philosophy, Political Ethics, Political Jurisprudence, Imam Khomeini, Islamic Jurist (Wali-e Faqih).

1. **Received:** 2019/02/27; **Accepted:** 2020/03/22

Copyright © the authors

شاخص‌های موضوع ولایت فقیه (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره))^۱

علی اکبری معلم^۱

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
a.akbarimoallem@isca.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و شاخص‌بندی موضوع ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی است. در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی ماهیت و ادله ولایت فقیه، وجوب تشکیل حکومت اسلامی بر فقها، فضایل و رذایل اخلاق سیاسی ولی فقیه، شرایط، وظایف و اختیارات ولی فقیه مورد بررسی قرار گرفت. براساس الگوی تقسیم سه بُعدی اسلام و چهارچوب اندیشه سیاسی امام خمینی، موضوع ولایت فقیه به سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی تقسیم شد. در مجموع، سی و سه شاخص در ابعاد مختلف موضوع ولایت فقیه استخراج گردید. نه شاخص در بُعد فلسفه سیاسی، پانزده شاخص در بُعد اخلاق سیاسی و نه شاخص در بُعد فقه سیاسی ولایت فقیه است. همچنین وجود رابطه منطقی میان سه قسم مذکور از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد، یعنی نقص و کمال هر بُعد در ابعاد دیگر مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: ولایت فقیه، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی، امام خمینی، ولی فقیه.

۱. پژوهش حاضر مستخرج از پروژه تحقیقی نگارنده در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که در حال انجام می‌باشد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۰۳

۱. مقدمه

«ولایت فقیه» از مبانی اصلی سیاسی تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و استمرار آن است. از دغدغه‌های مهم نظام، حفظ و انتقال باورهای اساسی تشکیل، استمرار و ارتقای سطح مقبولیت برای ادامه حاکمیت نظام می‌باشد، یعنی ضرورت دارد به صورت مستمر، هماهنگ و به موقع تلاش شود تا مقبولیت نظام، حفظ و تعمیق یابد. چرا که در صورت عدم توفیق نظام در حفظ و انتقال صحیح مبانی اساسی از جمله موضوع ولایت فقیه به نسل جدید و مخاطبان، سبب فراموشی باورهای اصلی نظام، کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام و در نتیجه موجب اضمحلال تدریجی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. پیرو این اصل حیاتی، مسئولان و دوست‌داران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تاکنون مجاهدت‌های زیادی در این زمینه انجام داده‌اند.

نگارنده در این پژوهش به سهم خویش به منظور فهم درست و روان از ابعاد مختلف موضوع ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی، شاخص‌های موضوع ولایت فقیه را استخراج، تبیین و معرفی نموده است.

بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که شاخص‌های موضوع ولایت فقیه در ابعاد فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی کدام است؟ هدف اصلی این پژوهش استخراج، تبیین و معرفی شاخص‌های موضوع ولایت فقیه در ابعاد سه‌گانه مذکور می‌باشد.

با عنایت به تأیید الگوی طبقه‌بندی اسلام به سه قسم عقاید، اخلاق و اعمال توسط دانشمندان اسلامی از جمله امام خمینی، ایده مذکور، الگوی مناسبی برای بررسی موضوع ولایت فقیه و طبقه‌بندی مباحث آن به سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی است.

در این جا لازم است الگوی مذکور و وجود ارتباط معنادار بین آن‌ها، برابر نظر امام خمینی توضیح داده شود. به نظر ایشان، تقسیم علوم نافع بشری به سه حوزه (علوم عقلی، حوزه اخلاق و اعمال)، براساس نیاز و مقام سه‌گانه انسانی (آخرت، برزخ و دنیا)، صورت گرفته است (امام

خمینی، ۱۳۹۱: ص ۶۹). این سه مقام همانند یک سیستم عمل می‌کنند، یعنی بین آن‌ها وابستگی و رابطه برقرار بوده و آثار هر یک از مقام‌های مذکور در دیگری مؤثر است، چه از جهت کمال و چه از نظر نقص. به همین دلیل، توجه به یکی بدون دیگری سبب انحراف و عدم دستیابی به سعادت می‌شود (همان).

همان‌گونه که از مطالب بالا به دست می‌آید، امام خمینی دارای تفکر منظومه‌ای است. ایشان اسلام را یک مجموعه تلقی می‌کند و بایستی به همه ابعاد آن عمل شود.

۲. تعریف اصطلاحات و مفاهیم اساسی

در این جا برخی از مفاهیم اساسی تحقیق تعریف می‌شود:

۲-۱. ولایت فقیه

منظور از ولایت فقیه در این جا همان تعریف مد نظر امام خمینی است. به نظر ایشان مفهوم ولایت فقیه یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس توسط فقیه از طریق تشکیل حکومت (امام خمینی، ۱۳۶۵: ص ۳۳).

۲-۲. فلسفه سیاسی^۱

فلسفه سیاسی به مسایل و مباحث مربوط به حوزه سیاست و زندگی اجتماعی که پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی و ثابت انسان در آن مد نظر است، می‌پردازد و با تغییر زمان و مکان دست‌خوش تغییر نشده و پایدار می‌مانند (لکزایی، ۱۳۹۴: ص ۵۴؛ همان، ۱۳۸۶: ص ۲۹، ۷۵). بنابراین، پرسش‌های اساسی و ثابت انسان پیرامون ولایت و رهبری، دولت مطلوب، مشروعیت، عدالت، اطاعت، قدرت و سعادت از مباحث و مسایل فلسفه سیاسی است، پرسش‌هایی مانند اینکه چه کسانی حق حکومت دارند؟ حکومت باید به دنبال چه اهدافی باشد؟ (واعظی، ۱۳۸۶: ص ۱۸). بنابراین، منظور از مفهوم فلسفه سیاسی در این جا مجموعه‌ای از مباحث و مسایل مربوط به حوزه سیاست و زندگی اجتماعی است که به نیاز و پرسش اساسی انسان پاسخ می‌دهد.

1. Political Philosophy.

۲-۳. اخلاق سیاسی

منظور از اخلاق سیاسی در این پژوهش مجموعه‌ای از فضیلت‌ها، ارزش‌ها، قواعد و معیارهای سیاسی مبتنی بر اسلام است که مورد پذیرش عموم قرار گرفته و رعایت آن‌ها مورد انتظار جامعه اسلامی بوده و برای رسیدن به کمال و سعادت ضروری است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۸). در واقع، فضیلت‌های اخلاق سیاسی که مورد پذیرش عموم مردم بوده و مبتنی بر شرع، عقل، عرف و تاریخ این جامعه است.

۲-۴. فقه سیاسی

منظور از فقه سیاسی در این پژوهش، آن بخشی از فقه و مبحث فقهی و رفتار مکلفان است که به حکومت، اداره زندگی مردم، نظم عمومی و مقررات بین‌المللی در حوزه سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود و در پاسخ به پرسش‌های مردم در حوزه زندگی سیاسی از جمله نوع و شکل حکومت (واعظی، ۱۳۸۶: ص ۲۶)، شرایط، اختیارات و وظایف ولی فقیه و وظایف مردم نسبت به ولی فقیه و حکومت است. موضوع فقه سیاسی در این نوشتار احکام عمومی می‌باشد.

شاخص: شاخص وسیله و ابزاری است برای شناخت، اندازه‌گیری و مقایسه شرایط، پدیده و موضوع مورد بررسی. منظور از شاخص در نوشتار حاضر نشانه، نماینده و مفاهیم برجسته در موضوع ولایت فقیه در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی است.

۳. موضوع ولایت فقیه در بُعد فلسفه سیاسی

موضوع ولایت فقیه در بُعد فلسفه سیاسی شامل مباحثی از قبیل ماهیت و ادله ولایت فقیه و وجوب تشکیل حکومت اسلامی بر فقها است.

۳-۱. ولایت

کلمه ولایت اگرچه در معانی متعددی استعمال شده، ولی از مصادیق برجسته این معنا، حکومت و اداره می‌باشد (ارسطا، ۱۳۹۴: ص ۲۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۲). فقها ولایت را در اصطلاح از جهات مختلف تعریف کرده‌اند، برخی ولایت را در اصطلاح قرآنی به اختیار فرمان

راندن بر انسان و به اطاعت کشاندن او (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۱۵۱)، برخی دیگر ولایت را به سلطه بر شخص یا مال و یا هر دو (ارسطا، ۱۳۹۴: ص ۲۹) و برخی آن را به قیمومیت تعریف کرده‌اند که لازمه آن تداعی محجوریت در موکلی علیه است. معنای اخیر با معنای حکومت و حاکمیت سیاسی متفاوت است (معرفت، ۱۳۷۷: ص ۴۲). مقام معظم رهبری ولایت را حکومت معنا کرده‌اند که در آن اقتدار حاکمیت وجود دارد (رجالی تهرانی، ۱۳۷۹: ص ۸۳؛ روزنامه جمهوری اسلامی، سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۷۸: ص ۱۵). از نظر امام، ولایت به معنای حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس است که یک وظیفه سنگین و مهم برای فقها محسوب می‌شود (امام خمینی، ب ۱۳۷۸: ص ۴۰).

مقصود از ولایت در این پژوهش به معنای ولایت در زعامت یا حکومت فقیه، مسؤولیت اجرایی احکام انتظامی و اداره امور کشور است.

۲-۳. ولایت مطلقه فقیه

مقصود از کلمه «اطلاق» در عبارت «ولایت مطلقه فقیه» شمول و مطلق بودن نسبی است، در مقابل دیگر ولایت‌ها که جهت خاصی در آن‌ها مورد نظر است. فقها هنگامی که ولایت فقیه را مطرح می‌کنند، دامنه ولایت را گسترده‌تر بیان داشته، در رابطه با شؤون عامه و مصالح عمومی امت می‌دانند؛ به این معنا که فقیه شایسته و دارای شرایط، که بار تحمّل مسؤولیت زعامت را بر دوش می‌گیرد، در تمامی ابعاد سیاستمداری مسؤولیت دارد و در راه تأمین مصالح امت و در تمامی ابعاد آن باید بکوشد و این همان «ولایت عامه» است که در سخن گذشتگان آمده، و مفاد آن با «ولایت مطلقه» که در کلمات متأخرین رایج شده، یکی است. بنابراین، مقصود از «اطلاق» در عبارت ولایت مطلقه فقیه، گسترش دامنه ولایت فقیه است، تا آن‌جا که «شریعت» امتداد دارد و مسؤولیت اجرایی ولی فقیه در تمامی احکام انتظامی اسلام و در رابطه با تمامی ابعاد مصالح امت می‌باشد (معرفت، ۱۳۷۷: ص ۷۴). بنابراین، ولایت مطلقه به معنای آزادی مطلق فقیه و خودمحموری او در قانون و عمل نیست.

ولایت مطلقه فقیه در نظر امام خمینی به معنای ولایت فقیه جامع شرایط و مورد قبول عموم مردم برای تبیین و اجرای همه احکام اسلام است. از این دیدگاه، فقیه جامع شرایط پس از تشکیل

حکومت، همان ولایتی را که رسول الله(ص) در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸ب: ص ۴۰؛ همان، ۱۳۷۸الف: ج ۲۰: ص ۴۵۲ و ج ۱۰: ص ۳۰۸) تا بتواند به وظایف خود، در اجرای احکام الهی و استقرار نظام اجتماعی عادلانه، عمل نماید.

۳-۳. دلایل ولایت فقیه

دلایل عقلی ولایت فقیه را می‌توان به دو قسم دلیل عقلی مستقل و دلیل عقلی غیرمستقل تقسیم کرد.

الف) دلیل عقلی مستقل، برهان ضرورت نظم در جامعه اسلامی

این برهان به دلیل آن که دارای مقدمات عقلی است، با عنوان دلیل عقلی محض و دلیل عقلی مستقل نامیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۱). از دیدگاه امام خمینی، مجموعه متنوع قوانین و مقررات و احکام اسلامی که تا ابد باقی است، یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد و حفظ این نظام کلی اجتماعی ضروری است، چرا که در غیر این صورت، هرج و مرج لازم می‌آید که عقل ملتزم به آن نمی‌شود. حفظ این نظام با اجرای مجموعه قوانین و احکام الهی و با تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت ولی فقیه امکان‌پذیر است (امام خمینی، ۱۳۶۵: ص ۲۳؛ همان، ۱۳۷۸ب: ص ۲۰، ۱۷-۲۱). به عبارت دیگر، بین مجموعه قوانین و اجرای آن ملازمه عقلی وجود دارد، به همین دلیل خداوند در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است که حضرت رسول(ص) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. در واقع، «ولی امر» در اسلام، متصدی قوه مجریه هم هست که وظیفه اجرای احکام الهی و برقراری نظامات اسلام را بر عهده دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ب: ص ۱۷). برخی متکلمان شیعی با استفاده از «قاعده لطف» در خصوص ولایت فقیه استدلال نمودند، به این نحو که انسان موجودی اجتماعی است و هر اجتماعی به قانون و رهبر نیاز دارد؛ والا هرج و مرج لازم می‌آید. این موضوع عقلی و قاعده لطف در همه اعصار جاری است. بنابراین، در عصر غیبت، آن رهبر همان فقیه جامع شرایط و جانشین امام معصوم است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ص ۳۶). بنابراین، اصل ولایت برای فقیه جامع شرایط با دلیل عقلی محض ثابت می‌شود.

ب) دلیل عقلی غیر مستقل

در این برهان، برخی از مقدمات آن را عقل و برخی دیگر را نقل تأمین می‌کند. به این نحو که از طرفی می‌دانیم که مجموعه قوانین الهی یک نظام اجتماعی را ایجاد می‌کند و این نظام، صلاحیت دارد تا ابد باقی بماند و عدم اجرای آن سبب مخالفت با ابدیت اسلام در همه شؤون عقاید، اعمال و اخلاق است و موجب اختلال و هرج و مرج در نظام می‌شود که عقل ملتزم به آن نمی‌باشد (همان: ص ۱۶۷). از طرف دیگر، توجه به ماهیت و کیفیت قوانین اسلام مثل احکام مالی و جزایی و اوامر الهی مثل مبارزه با استبداد و شرک (امام خمینی، ۱۳۷۸: ص ۲۰-۲۹) بدست می‌آید که اجرای آن قوانین و اوامر الهی مستلزم تشکیل حکومت اسلامی با رهبری فقیه جامع شرایط و متخصص اسلام است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۱۷۸). بنابراین، با حکم ملازمه عقلی، تداوم حکومت اسلامی با رهبری فقیه جامع شرایط در دوران غیبت ضروری است.

۳-۴. دلیل وجوب تشکیل حکومت بر فقها

تشکیل حکومت اسلامی به حکم عقل بر فقیه جامع شرایط واجب است. استدلال عقلی مذکور به این نحو تبیین می‌شود:

- اول. مجموعه قوانین و احکام الهی برای سعادت و هدایت بشر آمده است،
 - دوم. قوانین و احکام الهی، همه شؤون زندگی انسان را دربر گرفته و تا ابد جاری است و اختصاص به زمان خاصی ندارد (جامعیت اسلام)،
 - سوم. مطابق ملازمه عقلی، اجرای احکام الهی سبب سعادت بشر می‌شود،
 - چهارم. اجرای احکام الهی نیازمند تشکیل حکومت اسلامی است،
 - پنجم. امر ولایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط به عنوان نایبان امام معصوم (ع) واگذار شده است، چون وی صالح‌ترین فرد برای اجرای احکام الهی و استقرار نظام اجتماعی عادلانه در عصر غیبت است (اکبری معلم، ۱۳۹۳ الف: ص ۱۲۹).
- بنابراین، مطابق حکم عقلی، بر فقهای جامع شرایط واجب است، برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف آن، تشکیل حکومت داده و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرند.

۴. شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد فلسفه سیاسی

جدول ۱- مهم‌ترین شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد فلسفه سیاسی

ردیف	گویه‌ها
۱	ولایت به معنای حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس است.
۲	ولایت فقیه یعنی فقیه جامع شرایطی که منصوب خدا است، مورد قبول مردم قرار گرفته و با تشکیل حکومت به اداره جامعه و اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اجتماعی اسلام می‌پردازد.
۳	منظور از اطلاق در عبارت ولایت مطلقه فقیه شمول و مطلق بودن نسبی بوده، در مقابل دیگر ولایت‌ها که جهت خاصی از آن‌ها مدنظر است.
۴	برهان ضرورت نظم در جامعه اسلامی دلیل عقلی مستقل برای اثبات ولایت فقیه است.
۵	تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام الهی بر فقهای جامع شرایط واجب است.
۶	مجموعه قوانین و احکام الهی یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد و حفظ این نظام ضروری است.
۷	بین مجموعه قوانین الهی و اجرای آن و تشکیل حکومت اسلامی با رهبری فقیه جامع شرایط، ملازمه عقلی وجود دارد.
۸	ولایت مطلقه فقیه به معنای ولایت فقیه جامع شرایط و مورد قبول مردم برای اداره جامعه و اجرای احکام الهی است و از همه اختیارات و وظایف پیغمبر(ص) و امامان معصوم(ع) در مسائل حکومتی برخوردار است.
۹	قوانین و احکام الهی همه شؤون زندگی انسان را در بر می‌گیرد و تا ابد جاری است.

۵. موضوع ولایت فقیه در بُعد اخلاق سیاسی

بین اخلاق و سیاست و بین داشتن جامعه مهذب و جامعه سالم رابطه وجود دارد. به نظر امام خمینی، عالم منحرف، جامعه را به انحراف و عالم مهذب، جامعه را به سوی هدایت رهنمون می‌سازد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۴، ص ۴۴۷-۴۴۸). ولی فقیه برای استفاده درست از سیاست و برای موفقیت در اداره جامعه اسلامی به تهذیب نفس و اخلاق سیاسی نیاز دارد. از دیدگاه امام خمینی، اساس در حکومت اسلامی، معنویات است و اسلام، جامعه را به سوی

رشد مادی و معنوی هدایت می‌کند و تحقق آن بدون اخلاق و تهذیب نفس میسر نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۳، ص ۴۳۱-۴۳۳ و ج ۴: ص ۴۴۷). در واقع، در حکومت اسلامی، هدف، اخلاق است و سیاست، ابزاری در خدمت اخلاق می‌باشد. امام خمینی معتقد به سرشت دوگانه (جنود الهی و شیطانی) برای انسان است و انسان بایستی با جهاد با نفس و با تهذیب خود به طور مداوم بر جنود شیطانی غلبه یابد (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۷، ص ۵۰۰-۴۹۹). فقها، متکلمان و فلاسفه اسلامی صفات و ویژگی‌های ضروری برای حاکم اسلامی را در بحث از شرایط ولی فقیه مطرح نمودند. ولی در این‌جا با توجه به الگوی نظری پژوهش، به صورت جداگانه و در قالب موضوع ولایت فقیه در بُعد اخلاق سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا از ویژگی‌ها و صفاتی بحث می‌شود که برای ولی فقیه لازم است، هم از بُعد فضائل و هم از بُعد رذایل.

۱-۵. فضایل اخلاق سیاسی ولی فقیه

مهم‌ترین اخلاق پسندیده و خصلت‌های نیک ضروری برای ولی فقیه از نظر برخی از صاحب‌نظران شیعه و سنی (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۰-۳۶) عبارتند از: اسلام و ایمان، صداقت و راستگویی، عدالت، شجاعت، عفت، زهد و پارسایی، بصیرت، سلامت حواس و اعضای بدن، امین بودن، داشتن لطف و مهربانی نسبت به مردم، قوی در اقامه حدود و توانا در تجهیز سپاه و کنترل مرزها. در این‌جا برخی از فضایل مذکور به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ایمان: ایمان نور هدایتی است که در قلب جلوه می‌کند. مؤمن کسی است که قلبش حضور حق را دریافته و عظمت و جلال او را وجدان کرده باشد (امام خمینی، ۱۳۹۱: ص ۹۶، ۹۲). ایمان برای زمامدار جامعه اسلامی و ولی فقیه ضروری است، چرا که سبب زنده شدن نور خدایی در قلب مؤمن می‌شود و چنین کسی مصالح را از مفاسد تشخیص داده و اسیر قدرت سیاسی نمی‌شود و برای حفظ منافع ملی، حقوق شهروندان و مصالح جامعه اسلامی تلاش می‌کند.

الف) رفق و مدارا: رفق به معنی مدارا و ملایمت است (همان: ص ۳۱۳). ولی فقیه باید از فضیلت رفق برخوردار باشد، چون رفق و مدارا در انجام امور جامعه اعم از امور دنیایی و دینی، دخالت کامل دارد. با رفق و مدارا می‌توان قلوب مردم را تصرف کرد و آن‌ها را در برابر حکومت

خاضع نمود (ر.ک: اکبری معلم، ب ۱۳۹۳: ص ۱۱۰).

ب) صداقت: صداقت در سیاست به معنای راست‌گویی، رو راست بودن با مردم و پایبندی به پیمان‌ها و امانتداری است (اسلامی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۱-۲۴۴). به نظر امام خمینی، اگر حاکم اسلامی مهذب نبوده و از صداقت برخوردار نباشد، به مرور به سمت دیکتاتوری می‌رود (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱، ص ۹۰-۹۴). زمامدار با صداقت، به عهد و پیمان خود با خدا و مردم وفادار است و وفای صادقانه به تعهدات، رحمت الهی را به دنبال دارد (همان: ج ۱۶، ص ۲۰۲). بنابراین، ولی فقیه باید با صداقت باشد.

ج) شجاعت: فقها و فلاسفه شجاعت را برای ولی فقیه ضروری می‌دانند (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۰). شجاعت ولی فقیه بایستی هم در مرتبه چیرگی وی بر هوای نفس، در کارزار با دشمن و هم در مرتبه چیرگی وی در مشکلات، سختی‌ها و نامالایمات جامعه باشد. ولی فقیه شجاع، با تدبیر و از روی عقل عمل می‌کند و در مواجهه با مشکلات و در مبارزه با دشمنان نمی‌هراسد. به دلیل اهمیت برخورداری ولی فقیه از صفت شجاعت، اصل ششم و یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از شرایط و صفات رهبر را شجاعت ذکر کرده است (هزاوه‌ئی، ۱۳۷۸: ص ۳۲، ۸۴).

د) زهد و ساده‌زیستی: زهد در لغت به معنای ترک، اعراض، بی‌میلی، بی‌رغبتی و حقیر شمردن شیء آمده است (امام خمینی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۳)، ولی در اصطلاح، عبارت است از بی‌رغبتی و بی‌میلی به دنیا. زهد حقیقی عبارت است از ترک غیر خدا برای خدا (همان: ص ۲۹۳) و تنفر از نقص و اعراض از غیر حق (همان: ص ۳۰۳). از نظر امام خمینی زهد و ساده‌زیستی سبب قدرت روحی انسان می‌شود. چنین شخصی می‌تواند در برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی بایستد و کارهای بزرگی انجام دهد و در قلوب مردم نفوذ کند. مثل ایستادگی مرحوم مدرس در مقابل زورگویی‌های رضاشاه که ناشی از قدرت روحی و بی‌اعتنایی او به مقام و امور دنیایی بوده و از داشتن زندگی زاهدانه او نشأت گرفته بود (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۱۶، ص ۴۵۰-۴۵۳). به نظر ایشان، تجمل‌گرایی و تعلق قلب به مال و منال و مقام موجب اسارت، ذلت و خواری در برابر قدرتمندان زورگو می‌شود و از طرف دیگر، سبب ستمگری به توده‌های محروم و ضعیف می‌شود. در نگاه وی، با زندگی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی-اسلامی را حفظ کرد (همان:

ج ۱۸، ص ۴۷۱). بنابراین، لازم است ولی فقیه ساده زیست باشد (ر.ک: اکبری معلم، ب ۱۳۹۳: ص ۱۱۲).

۵-۲. رذایل اخلاق سیاسی ولی فقیه

ولی فقیه و حاکم اسلامی نبایستی به خصلت‌های ناپسند آلوده باشد. چون وقتی ولی فقیه بر جان و مال مسلمانان مسلط می‌شود، از او انتظار می‌رود در قبض و بسط‌ها و کردار و اخلاق، مصالح اسلامی را رعایت کند و به عدالت رفتار کند، اما وجود رذایل اخلاق سیاسی، حاکم اسلامی را از ایفای چنین مسئولیتی باز می‌دارد. وجود خصلت‌های ناپسند مانع از انجام رهبری عادلانه و حکیمانه او می‌شود و او را به خودمحوری کشانده و حکومت ولی فقیه را فاسد می‌کند (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۹۱). بنابراین، آلوده نبودن ولی فقیه به خصلت‌های ناپسند اهمیت زیادی دارد. در این جا به برخی از رذایل اخلاق سیاسی اشاره می‌شود.

الف) نفاق: امام خمینی معتقدند که نفاق از رذایل نفسانی است که به دو شکل عملی و قولی قابل مشاهده می‌باشد. نفاق عملی آن است که انسان ظاهر حال خود را طوری نمایش دهد که خلاف باطن قلب اوست، اما نفاق قولی آن است که با هر کسی که ملاقات کند، از او تعریف نماید، ولی در غیاب او تکذیبش نماید (امام خمینی، ۱۳۷۱: ص ۱۵۵). چون نفاق سبب خودخواهی و خودپرستی می‌شود و صاحب آن از انجام هرگونه فساد ابایی ندارد و از زمره انسانیت به دور بوده و با شیاطین محشور است (همان: ص ۱۵۶). بنابراین، چنین شخصی لیاقت رهبری جامعه اسلامی را ندارد (ر.ک: اکبری معلم، ب ۱۳۹۳: ص ۱۱۴).

ب) خُرق: خُرق به خلاف معنای رفق در لغت به معنای ضعف عقل، عُنف و عجله آمده است (امام خمینی، ۱۳۹۱: ص ۳۱۴). خُرق در همه امور جامعه مداخلت دارد. تفاوتش با رفق در این است که با رفق، قلوب مردم را می‌توان تصرف کرد و آنان را در برابر حکومت و قانون خاضع نمود، ولی با خُرق این امکان وجود ندارد (همان: ص ۳۱۵). بلکه باید هر آن منتظر نافرمانی مردم از حکومت و ولی فقیه باشیم.

ج) بُخل: بخل در لغت در مقابل اعطای جود و بخشش است. در اصطلاح به کسی که دارایی خود را در جای شایسته صرف نکند، بخیل اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ص ۳۸۲۵). ولی

فقیه نباید بخیل باشد. چون حاکم بخیل تحت تأثیر طبع بخل خود از مصرف مال در امور مهم اجتماعی بخل می‌ورزد و ضرر این بخل به کل جامعه سرایت می‌کند (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۹۱). حاکم بخیل شکم‌پارگی خود را در اموال مردم می‌یابد (همان: ص ۹۲) و به اموال مردم تعدی می‌کند. بنابراین، از شرایط ولایت فقیه این است که وی به خصلت‌های ناپسند آلوده نباشد؛ چرا که سبب از دست دادن ملکه عدالت وی می‌شود و از مشروعیت می‌افتد و با خودمحموری و ستمگری، جامعه را به فساد و انحطاط می‌کشاند.

۶. شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد اخلاق سیاسی

جدول ۲- مهم‌ترین شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد اخلاق سیاسی

ردیف	گویه‌ها
۱	بین سیاست و اخلاق و بین داشتن جامعه مهذب و سالم رابطه وجود دارد.
۲	اساس در حکومت اسلامی، معنویات است.
۳	سیاست ابزاری در خدمت اخلاق است.
۴	انسان بایستی با جهاد با نفس به طور مداوم بر جنود شیطانی غلبه یابد.
۵	ایمان، رفق و مدارا، شجاعت و ساده‌زیستی از فضایل اخلاق سیاسی مورد نیاز ولی فقیه است.
۶	تعدیل قوای نفسانی در ولی فقیه در تحقق نظام اجتماعی عادلانه موثر است.
۷	ولی فقیه با برخورداری از رفق و مدارا، سبب تصرف قلوب مردم و جبران تلخی اجرای قوانین و نهدی از منکر می‌شود.
۸	عدم صداقت حاکم اسلامی، وی را به سمت دیکتاتوری می‌کشاند.
۹	ساده‌زیستی ولی فقیه موجب کسب قدرت روحی و ایستادگی وی در برابر ظلم و بی‌عدالتی می‌شود.
۱۰	ولی فقیه شجاع، با تدبیر و از روی عقل عمل می‌کند و در مواجهه با مشکلات و در مبارزه با دشمنان نمی‌هراسد.
۱۱	امیدواری، محرک انسان برای غلبه بر مشکلات است.
۱۲	خرق، حب به دنیا، و بُخل از خصلت‌های ناپسندی است که ولی فقیه بایستی از آن‌ها پرهیز کند.
۱۳	شدت و سخت‌گیری شهروندان توسط ولی فقیه سبب تلخی ذائقه مردم و تنفر آنان از حکومت اسلامی می‌شود.
۱۴	تجمل‌گرایی سبب دور شدن از معنویات، وابستگی و کاهش نفوذ بین مردم می‌شود.
۱۵	حفظ ارزش‌های انسانی اسلامی با زندگی اشرافی و مصرفی میسر است.

۷. موضوع ولایت فقیه در بُعد فقه سیاسی

شرایط، وظایف و اختیارات ولی فقیه و طرز تشکیل حکومت اسلامی از مباحث مربوط به موضوع ولایت فقیه در بُعد فقه سیاسی است که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷-۱. شرایط ولی فقیه

شرایط ولی فقیه به دو قسم شرایط عمومی و اختصاصی (خاص اساسی) تقسیم می‌شود. الف) شرایط عمومی ولی فقیه عبارتند از: عقل و تدبیر، (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۳۷)، غیرت و دلسوزی، رأی صاحب نظر سیاسی (رجالی تهرانی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۵)، ولایت اهل بیت، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر و مدیریت (اکبری، ۱۳۷۷: ص ۱۴۶)، اسلام و ایمان، قدرت و تدبیر رهبری، مرد بودن، امین بودن در انجام مسؤولیت (امانت) و پاکزادی (منتظری، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۲۳، ۳۵). این شرایط عامه برای ولی فقیه از نظر عقل ضروری است. در این جا شرایط اختصاصی ولی فقیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) شرایط اساسی

اول. علم به قانون: ولی فقیه بایستی قانوندان و عالم به احکام الهی باشد، یعنی بتواند احکام الهی را در همه ابواب فقه، از منابع اصلی و ادله اربعه (قرآن، روایات، عقل و اجماع) با به کار بردن معیارها و روش‌های تخصصی استنباط کند و مقلد دیگران نباشد. چون حکومت اسلامی حکومت قانون اسلام است. منظور از شرط علم به قانون الهی، برتری و افضلیت علمی ولی فقیه نسبت به دیگران است، نه اعلییت مد نظر در مرجعیت شیعه (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۳۷).

دوم. عدالت: شرط اساسی دوم برای ولی فقیه عدالت است. چرا که از نظر عقل روشن است که خداوند هیچ‌گاه ستمگر و تبه‌کار را به عنوان زمامدار مسلمانان بر نمی‌گزیند. به علاوه تحقق قانون الهی تنها به دست حاکم عالم و عادل میسر است. از طرف دیگر، هیچ یک از مسلمانان در اعتبار عدالت برای حاکم اسلامی تردید نکرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۵: ص ۳۰). بنابراین، حاکم اسلامی باید عادل باشد، یعنی تابع هوا و هوس نباشد، بلکه تابع محض احکام و دستورات دین باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۸).

۲-۷. طرز تشکیل حکومت اسلامی

شکل حکومت در اسلام، تابع مقتضیات زمانی و مکانی است که به دست مردم تعیین می‌شود، ولی محتوای آن، قوانین و برنامه‌های اسلام است. از نظر امام خمینی در حکومت اسلامی قانون اسلام بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۳۲).

۳-۷. وظایف ولی فقیه

وظایفی بر عهده فقیه حاکم قرار داده شد. علمای اسلامی در احصای وظایف حاکم اسلامی، براساس اسلام و در برابر مردم و به اقتضای موقعیت‌های مکانی، زمانی و استنباط‌های خود از تعداد وظایف، عبارت‌ها و تأکیدات مختلفی استفاده کرده‌اند. برخی چهار وظیفه مهم حفاظت از دین و جامعه اسلامی، إفتا،^۱ قضاوت و ولایت (اجرای احکام الهی) را برای ولی فقیه برشمرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۲۴۲).

مهم‌ترین وظایفی که امام خمینی برای ولی فقیه برمی‌شمارد، عبارتند از: تبلیغ عقاید، احکام و نظامات اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۱۱۶)، اجرای احکام الهی، برقراری نظام عادلانه اسلام، خدمت به مردم (همان: ۱۳۷۸ الف، ج ۴: ص ۴۴، ۲۰۱؛ ج ۱۸: ص ۷۸ و ۸۰-۸۱؛ ج ۲۱: ص ۴۲۶). جلوگیری از تجاوز و تعدی دشمنان، (همان، ۱۳۷۸ ب: ص ۴۴)، حفظ مصالح اسلام و مسلمانان (همان، ۱۳۷۸ الف: ج ۹، ص ۳۰۰-۳۰۱) و جلب رضایت مردم (همان: ج ۱۶، ص ۴۹۱؛ ج ۱۷: ص ۲۵۳؛ ج ۱۸: ص ۳۷۸-۳۷۹؛ ج ۲۱: ص ۴۲۶).

مجموعه وظایف ولی فقیه از نظر امام خمینی با توجه به مطالعات و تجربه ایشان در رهبری جامعه اسلامی، از جامعیت برخوردار است. ولی فقیه رهبری دینی و سیاسی مردم را بر عهده دارد و مجاز به دخالت در امور خصوصی شهروندان نیست.

۱. منصب و کرسی فتوا دادن مجتهد و فقیه

۷-۴. اختیارات ولی فقیه

دو نظر عمده در حوزه اختیارات ولی فقیه وجود دارد:

اول، ولایت مقیده و دوم، ولایت مطلقه. قائلان به ولایت مقیده معتقدند که فقیه تنها در امور حسبیه ولایت دارد. ولی قائلان به ولایت مطلقه معتقدند، همه آنچه که برای معصوم در شؤون حکومتی ثابت بود، برای فقهای واجد شرایط نیز ثابت است، مثل تشکیل حکومت و اجرای حدود (رجالی تهرانی، ۱۳۷۹: ص ۲۰۳).

از دیدگاه امام خمینی، فقیه عادل و عالم به قانون الهی در صورت تشکیل حکومت، از همه اختیارات رسول اکرم (ص) و امام معصوم (ع) در اداره جامعه و مسائل حکومتی برخوردار می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ص ۴۰-۴۲؛ همان، ۱۳۶۵، ص ۳۳).

۸. شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد فقه سیاسی

جدول ۳- مهم‌ترین شاخص‌های سنجش موضوع ولایت فقیه در بُعد فقه سیاسی

ردیف	گویه‌ها
۱	عقل و تدبیر، اسلام و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی از شرایط عمومی برای ولایت فقها است.
۲	علم به قانون (فقاہت) و عدالت دو شرط اساسی برای ولایت فقها است.
۳	شکل حکومت در اسلام تابع مقتضیات زمانی و مکانی است که به دست مردم تعیین می‌شود.
۴	سه مشخصه حکومت اسلامی عبارتند از: ایتنای حکومت به احکام الهی، رفتار عادلانه حاکم اسلامی و رضایت مردم.
۵	اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اجتماعی از وظایف ولی فقیه است.
۶	تبلیغ اسلام، خدمت به مردم و جلب رضایت مردم از وظایف ولی فقیه است.
۷	ولی فقیه هم متکفل رهبری دینی و سیاسی مردم است.
۸	براساس نظریه ولایت مطلقه فقیه، ولی فقیه از تمام اختیارات حکومتی امام معصوم (ع) براساس مصلحت اسلام و مسلمانان برخوردار است.
۹	ولی فقیه عهده‌دار وظایف مربوط به امور عمومی جامعه است.

۹. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، موضوع ولایت فقیه در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و شاخص‌های مهم هر قسم تعیین و معرفی شد. همان‌گونه که در توضیح الگوی نظری پژوهش آمده، ولایت فقیه یک منظومه فکری است که با تحقق هر سه قسم یاد شده به اتمام و اکمال می‌رسد، چون هر قسمی با کارکرد خود و تأثیرش بر قسمت‌های دیگر سبب کامل شدن ولایت فقیه می‌شود. بنابراین، نظر به ضرورت فهم صحیح و ساده موضوع ولایت فقیه، مهم‌ترین شاخص‌های هر قسم استخراج و معرفی گردید.

در قسم فلسفه سیاسی، ولایت فقیه با دلایل عقلی متقن ثابت شده است. برهان ضرورت نظم در جامعه اسلامی دلیل عقلی مستقل برای اثبات ولایت فقیه می‌باشد. برای بُعد فلسفه سیاسی موضوع ولایت فقیه، نه شاخص استخراج و معرفی شده است.

بین سیاست و اخلاق و بین داشتن جامعه مهذب و جامعه سالم رابطه وجود دارد. بنابر نگاه منظومه‌ای امام خمینی، ولی فقیه علاوه بر علم به قانون الهی و برخورداری از فضایل اخلاق سیاسی اسلامی بایستی از رذایل اخلاق سیاسی نیز مبرا باشد. ولی فقیه بدون برخورداری از فضایل اخلاق سیاسی و پرهیز از رذایل اخلاق سیاسی به درجه و شأن ولایت نمی‌رسد و نمی‌تواند به اجرای احکام الهی و استقرار عدالت اجتماعی بپردازد.

بنابراین، برای بُعد اخلاق سیاسی موضوع ولایت فقیه پانزده شاخص مهم استخراج و معرفی شد.

از نظر امام خمینی، علم به قانون (فقاہت) و عدالت، دو شرط اساسی برای ولایت فقیه است.

از دیدگاه ایشان شکل حکومت در اسلام تابع مقتضیات زمان و مکان است و به دست مردم تعیین می‌شود، ولی محتوای حکومت اسلامی، قوانین و احکام الهی است. ولی فقیه وظایف مهمی از جمله اجرای احکام الهی و جلب رضایت مردم را بر عهده دارد و از اختیارات امام معصوم در مسایل حکومتی برخوردار است.

برای بُعد فقه سیاسی موضوع ولایت فقیه، نه شاخص مهم استخراج و معرفی شده است.

امید است پژوهش حاضر با معرفی و ترویج شاخص‌های مهم موضوع ولایت فقیه در حفظ و مقبولیت مبانی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و بر استمرار با عزت حاکمیت نظام مؤثر باشد.

منابع

۱. ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۴). نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم.
۲. اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۸). امام، اخلاق، سیاست. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
۳. اکبری معلم، علی (۱۳۹۳ الف). اندیشه سیاسی امام خمینی و نسل سوم انقلاب اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. اکبری معلم، علی (۱۳۹۳ ب). اخلاق سیاسی امام خمینی و نسل سوم انقلاب اسلامی ایران. سیاست متعالیه، ۲(۵): ص ۱۰۳.
۵. اکبری، محمدرضا (۱۳۷۷). تحلیلی نو و عملی از ولایت فقیه. بی‌جا: انتشارات پیام عترت.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهاردهم.
۷. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۵). شؤون و اختیارات ولی فقیه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
۹. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸ الف). صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۱۰، ۹، ۱۳-۱۴، ۱۶-۱۸، ۲۱-۲۰، ۷.
۱۰. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸ ب). ولایت فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم.
۱۱. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهاردهم.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ج ۱۳.
۱۳. رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۷۹). ولایت فقیه در عصر غیبت. قم: انتشارات نبوغ.
۱۴. روزنامه جمهوری اسلامی (سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۷۸).
۱۵. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۷۳). فقه سیاسی، نظام سیاسی و رهبری در اسلام. تهران: امیرکبیر، ج ۲.
۱۶. لکزایی، نجف (۱۳۸۶). درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام. قم: موسسه بوستان کتاب.
۱۷. لکزایی، نجف (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹). ولایت فقیه ستون خیمه انقلاب اسلامی. تهران: نشر مطهر.
۱۹. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). ولایت فقیه. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۰. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی (امامت و رهبری). ترجمه محمود صلواتی. قم: نشر تفکر، ج ۲.

۲۱. واعظی، احمد (۱۳۸۶). حکومت اسلامی؛ درس‌نامه اندیشه سیاسی اسلام. قم: مرکز تألیف متون درسی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۲. الهامی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵). اخلاق سیاسی. قم: زمزم هدایت.
۲۳. هزاوه‌ئی همدانی، سیدمحمد مهدی (۱۳۷۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به همراه نظرات شورای نگهبان. تهران: انتشارات محسن.

استناد به این مقاله**DOI: 10.22034/sm.2020.104457.1343**

اکبری معلم، علی (۱۳۹۹). شاخص‌های موضوع ولایت فقیه (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی). سیاست متعالیه، ۸ (۳۰): ص ۱۴۵-۱۶۴.